

## Research Article

# A Critical Analysis of the Ruling of Maslus and Mabtun Purity during Saying Prayer

Alborz Mohaqeq Garfami<sup>1</sup>

Seyed Ali Sajjadi Zadeh<sup>2</sup>

Amjad Jobeili<sup>3</sup>

Received: 28/11/2022

Accepted: 24/10/2023



### Abstract

One of the essential aspects of worship, such as daily prayers, is achieving and maintaining purity (taharah). This issue poses a challenge for individuals who suffer from involuntary urinary or fecal incontinence. Some jurists believe that if impurity (hadath) occurs two or three times during prayer, it is obligatory to renew the state of purity during the prayer. Their solution suggests keeping a container of water close to the worshipper, so they can perform ablution (wudu) promptly after involuntary discharge. This research employs a descriptive-analytical methodology, utilizing documentary sources to revisit the arguments supporting this ruling. After categorizing these arguments, the ensuing debates and challenges related to these reasons are elucidated. The result indicates that the ruling lacks solidity based on three factors: the

---

1. Level 4 Student, Islamic seminary of Khorasan (Corresponding author).

Email: Mohaghegh.gr@gmail.com.

ORCID: 0000-0001-5420-9457

2. Assistant Professor, Faculty of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Razavi Islamic Sciences

University, Mashhad, Iran. Email: sajjadizade@razavi.ac.ir.

ORCID: 0009-0007-9883-3586

3. Ph.D. student, Department of Philosophy and Kalam, Razavi Islamic Sciences University,

Mashhad, Iran. Email: amjadjeje077@gmail.com.

ORCID: 0009-0006-4496-7928

\* Mohaqeq Garfami, A., Sajjadi Zadeh, S. A., & Jobeili, A. (1402). A Critical Analysis of the Ruling of Maslus and Mabtun Purity during Saying Prayer. *Journal of Fiqh*, 30(115), pp. 100-130.

<https://doi.org/10.22081/jf.2023.64846.2555>.

● © Author (s).

insufficiency of explicit textual evidence supporting the ruling, the existence of conflicting narrations on the subject, and the presence of evidence suggesting the sufficiency of the initial ablution for individuals with partial impurity. It appears that the ruling favoring the adequacy of the initial ablution for these individuals is more plausible.

**Keywords**

Mabtun and Maslus, Mabtun Prayer, Partial Purity, Ruling on Partial Impurity, Obligation for Mabtun.

### مقاله پژوهشی

## تحلیل انتقادی حکم طهارت مسلوس و مبطون در هنگام نماز

البرز محقق‌گرمفی<sup>۱</sup> سیدعلی سجادی‌زاده<sup>۲</sup> امجد جبیلی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۲

### چکیده

یکی از بایسته‌های عبادت‌هایی همچون نمازهای روزانه، حصول و حفظ طهارت است. این موضوع درباره افرادی که به بیماری بی‌اختیاری در دفع ادرار و مدفوع دچار هستند، چالش‌انگیز خواهد بود. برخی ققیهان بر این باورند که در صورت وقوع دو یا سه بار حدث در طول نماز، واجب است که در هنگام نماز، طهارت‌های تازه حاصل شود. راهکار اینان، قراردادن ظرف آبی نزدیک نمازگزار است تا پس از دفع غیراختیاری، بی‌درنگ وضو سازد. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌مندی از منابع اسنادی در پی بازخوانی ادله باورمندان به این حکم است. پس از دسته‌بندی این ادله، در گام پسین، مناقشه‌ها و اشکالات وارد بر این دلایل تبیین شده‌اند. نتیجه اینکه بنا بر سه عامل ذیل، حکم پیش‌گفته استوار نمی‌نماید: بسنده‌نبودن دلالت ادله لفظی مورد استناد برای حکم، وجود روایات مخالف در موضوع و نیز امتنانی‌بودن ادله دال بر وظیفه مسلوس و مبطون. به نظر می‌رسد حکم به کفایت وضوی اولیه برای این بیماران به واقع نزدیک‌تر باشد.

### کلیدواژه‌ها

مسلوس و مبطون، نماز مبطون، طهارت مسلوس، حکم مسلوس، وظیفه مبطون.

۱. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث. طلبه سطح چهار حوزه علمیه خراسان (نویسنده مسئول).  
Mohaghegh.gr@gmail.com ORCID: 0000-0001-5420-9457
۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران.  
sajjadzade@razavi.ac.ir ORCID: 0009-0007-9883-3586
۳. دانشجوی دکتری فلسفه و کلام دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران.  
amjadjeje077@gmail.com ORCID: 0009-0006-4496-7928

\* **استناد به این مقاله:** محقق‌گرمفی، البرز؛ سجادی‌زاده، سیدعلی؛ جبیلی، امجد. (۱۴۰۲). تحلیل انتقادی حکم طهارت مسلوس و مبطون در هنگام نماز. فصلنامه علمی - پژوهشی فقه، ۳۰ (۱۱۵)، صص ۱۰۰-۱۳۰.

<https://doi.org/10.22081/jf.2023.64846.2555>

© Author (s)



## مسئله در آمد

برخی مسائل فقهی به سبب ابتلای افراد محدودی بدانها کمتر مورد موشکافی قرار گرفته‌اند؛ درحالی که یافتن راهکار عملی استوار بر حکم شریعت و عقل رشد یافته برای این مسائل، سبب برون رفت از چالش‌های عملی مکلفان مبتلا بدانها می‌گردد. یکی از این مسائل، مربوط به بیماران بی اختیار از خروج فضولات است. در این میان، مسائل و احکام مربوط به طهارت این افراد برای عبادت‌های واجبی چون نماز و طواف واجب حجّ مورد توجه قرار گرفته است. بخشی از فروع فراوان باب طهارت نیز مباحثی است که با عنوان مبطلات وضو نام‌بردار است. کسانی از فقیهان از این بحث با عنوان «احکام الخلل فی الوضوء» یاد کرده‌اند (مامقانی، ۱۳۴۱، ص ۴۷؛ بهبهانی، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۸۳؛ محقق سبزواری، بی تا، ج ۱، ص ۴۵؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۳۴).

از مسئله پیش گفته در نگاه‌های فقهی چنین یاد شده است:

المسلوس و المبطون إن كانت لهما فترة تسع الطهارة و الصلاة ولو بالاختصار علی أقلّ واجباتها انتظراها وأوقعا الصلاة في تلك الفترة، و إن لم تكن لهما تلك الفترة؛ فإما أن يكون خروج الحدث في أثناء الصلاة مرة أو مرتين أو ثلاث مثلاً بحيث لا حرج عليهما في التوضؤ في الأثناء والبناء وإما أن يكون متصلاً بحيث لو توضّأ بعد كلّ حدث وبنيا لزم عليهما الحرج. ففي الصورة الأولى يتوضّأان ويشغلان بالصلاة بعد أن يضعوا الماء قريباً منهما، فإذا خرج منهما شيء توضّأ بلا مهلة وبنيا علی صلاتهما، والأحوط أن يصلّيا صلاة أخرى بوضوء واحد، بل لا يترك هذا الاحتياط في المسلوس (اصفهانی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۳۳).

این حکم با عبارت‌هایی مشابه، در نگاه‌های فقیهان دیگری نیز یافت می‌شود (یزدی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۴۶۱؛ آل کاشف الغطاء، بی تا، ص ۳۱؛ گلپایگانی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۲؛ بهجت، ۱۴۲۳ق، ص ۴۶).

این مسئله به سه حکم فرعی ذیل قابل افراز است:

۱. برای مسلوس و مبطون، گشایش زمانی به اندازه طهارت گرفتن و ادای نماز - هرچند به اندازه اکتفا به اقلّ واجبات - وجود داشته باشد. در این حالت، شخص باید

برای ادای نمازهای واجب خود تا آن زمان منتظر بماند.

۲. فترت پیش گفته برای شخص مبتلا حاصل نشود و میزان حدث نیز کم باشد (به اندازه دو یا سه مرتبه در طول نماز)؛ در این حالت، باید ظرف آبی کنار خود بگذارد و در اثنای نماز از آن وضو بگیرد.

۳. اگر به گونه‌ای است که نمی‌توانست جلوی تکرر بول و غائط را بگیرد، یک وضو در ابتدا می‌گیرد و با آن نماز خود را می‌خواند، هر چند در هنگام نماز دچار تسلسل شود (برای اطلاعات بیشتر درباره دست‌بندی یاد شده نک: نجفی، ۱۳۶۵، ج ۲، صص ۳۱۹-۳۲۷؛ خوئی، ۱۴۱۸، ج ۶، صص ۲۰۹-۲۲۳؛ سیستانی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۵۶).

پژوهش حاضر در پی بازخوانی ادله گونه دوم از سه صورت پیش گفته است تا از این رهگذر بتواند حکمی استوارتر برای بیماران مبتلا به تکرر دفعی در هنگام نماز بیابد.

### ۱. پیشینه

حسب جستجوی نگارنده، افزون بر طرح این بحث در کتاب‌های فقهی، مقالات ذیل نیز در زمینه موضوع پژوهش حاضر یافت شدند: مقاله «الحلل فی الغسل با رویکردی بر آراء امام خمینی (علیه السلام)» (۱۳۹۶) به قلم روحانی و علیزاده، مبطلات غسل را بر اساس ادله اولیه تبیین می‌کند و پس از بیان ادله لفظی ثانویه، در پاره‌ای موارد مانند غسل جیره‌ای و ایجاد شک در صحت اجزا پس از فراغ از عمل، حکم باطل نبودن غسل را بیان کرده است. این نوشتار از جهت بررسی یکی از گونه‌های طهارت (غسل)، با مقاله حاضر اشتراک دارد؛ اما از جهت بررسی ادله ویژه مطرح در مسئله مبطلون و مسلوس ساکت است.

مقاله «وظیفه مسلوس و مبطلون در حج» (۱۴۰۰) به کوشش زهرا عشقی و رضا عندلیبی به بررسی حکم طواف و نماز طواف این افراد با بهره‌گیری از ادله روایی پرداخته و درباره حکم طواف به موافقت نایب گرفتن با اصل احتیاط قائل شده است (عشقی و عندلیبی، ۱۴۰۰، ص ۳۴). با وجود تلاش ستودنی نویسندگان، برای رفع تعارض اخبار مربوط به مسئله، راهکار عملی ارائه نشده است و با طرح اشکال‌های محتمل به دلالت

هر یک از روایات، به نتایج و جنبه‌های دیگر حکم توجه نشده است. جنبه نخست نوآوری نوشتار حاضر، نقد دیدگاه مشهور است که بر سه محور ذیل استوار است: (۱) تحلیل و تبیین برخی موارد ناروایی استظهار شماری از فقیهان از روایات مورد استناد؛ (۲) ارائه چند روایت معارض با فتوای مشهور و برداشتی قابل توجه از آنها؛ (۳) ارزیابی انطباق فتوای مشهور با عنوان فعل کثیر و (۴) توجه کردن به لازمه‌های مشقت‌آفرین فتوای مشهور. وجه دیگر از نوآوری این جستار، تبیین حکم برگزیده است که با بهره از برآیند مدالیل مجموع روایات موضوع و اصل امتنانی بودن احکام برای بیماران سامان یافته است. نویسندگان بر این باورند که دیدگاه برگزیده، افزون بر دارابودن ویژگی استواری در استظهار از ادله لفظی و بهره از ادله لثبی، به نیازمندی‌های عبادی بیماران مبتلا به بی‌اختیاری، پاسخ مناسب‌تری ارائه داده است.

## ۲. بازخوانی آرا درباره مسئله

پیش از تبیین آرا درباره محل بحث، شایسته است درباره موضوع یعنی افراد مسلوس و مبطون، آگاهی کافی حاصل شود. بر اساس تعریف اصطلاحی، کسی که بر اثر بیماری قادر به نگهداری ادرار خود نباشد، به شکلی که بی‌اختیار به شکل تدریجی یا ناگهانی از او دفع شود، مسلوس نامیده می‌شود (ثعالبی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۶۴؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۹۳۸؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۸۵؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۳۱۹؛ جوهر، ۲۰۰۳م، ص ۶۷؛ هاشمی‌شاهرودی، ۱۳۹۸، ج ۷، ص ۷۴۳). مبطون نیز به شخصی گفته می‌شود که بر اثر بیماری گوارشی یا عارضه‌ای دیگر، امکان حبس مدفوع یا باد معده را ندارد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۵۴؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۸، ص ۶۱؛ تهانوی، ۱۹۹۶م، ج ۲، ص ۱۴۳۱؛ بحرانی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۸۹؛ هاشمی‌شاهرودی، ۱۳۹۸، ج ۷، ص ۴۸۷).

بر اساس این تعاریف، به سبب اتحاد مناط درباره مسلوس و مبطون از جهت بی‌اختیاری در دفع (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۲۷؛ آملی، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۵۱؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۲۰۹)، می‌توان حکم واحدی برای مبتلایان به بیماری‌های ناشی از عدم اختیار مانند بی‌اختیاری در دفع ادرار، مدفوع و باد معده در نظر گرفت. درباره حکم چگونگی

طهارت این افراد برای ادای نماز، نظریه‌های ذیل قابل توجه هستند:

۱) مشهور بر این باورند که لازم است در ابتدای هر نماز یک وضو بگیرد و تقاطر در اثنای نماز، ضرری به طهارت او نمی‌رساند (طوسی، ۱۴۰۷ق «ب»، ج ۱، ص ۲۴۹؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۳۴؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۸۷؛ شهید اول، ۱۴۳۰ق، ج ۹، ص ۱۴؛ بحرانی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۸۷؛ محقق سبزواری، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۳۹).

۲) برخی بر این باورند که تنها در حالت بول اختیاری، نیاز به وضو دارد و به شرط ایجادنشدن حدثی دیگر، با یک بار وضو گرفتن می‌تواند نمازهای متعدد را به جا آورد (نک: طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۶۸؛ طباطبایی تبریزی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۸۲).

۳) در نظریه‌ای دیگر، مسلوس باید نماز ظهر و عصر را بدون فاصله بخواند و برای آنها یک وضوی ابتدایی کافی است. در مورد نمازهای مغرب و عشاء نیز چنین کند (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۳۷).

۴) وی باید در هنگام نماز وضو بگیرد و نماز را از آنجایی که رها کرده ادامه دهد (محقق حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۶۹؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۵۸۱؛ یزدی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۴۶۱؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۳۲؛ بهجت، ۱۴۲۳ق، ص ۴۳).

لازم به توضیح است که باورمندان به دیدگاه چهارم، شرایطی را برای واجب آمدن وضو در هنگام نماز در نظر گرفته‌اند. بر اساس شرط اول، وجود زحمت زیاد برای طهارت بدن و انجام وضو را مایه اکتفا به وضوی اولیه برای نماز دانسته‌اند (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۲۷؛ محقق سبزواری، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۰؛ بهجت، ۱۴۲۳ق، ص ۴۳؛ روحانی، ۱۴۳۵ق، ج ۱، ص ۶۸؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۳۲؛ اشتهاودی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۴۷۳؛ فاضل لنگرانی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۲۰۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۱؛ شیرازی زنجانی، ۱۳۸۸، ص ۶۷). گرچه مقصود از این حرج، حرج نوعی است (سیستانی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۲۰۵)، نه فردی.

کسانی نیز شرط دیگر جریان این حکم را، عدم صدق عنوان فعل کثیر بر وضو در

۱. با این حال برخی از تعلیق‌نویسان بر کتاب عروة الوثقی، اکتفا به وضوی اولیه و عدم نیاز به وضو در اثنای نماز را کافی دانسته‌اند (نک: یزدی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۱۳).

اثنای نماز دانسته‌اند (بحرانی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۹۰؛ یزدی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۴۶۷؛ عراقی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۹؛ حکیم، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۶۸). برخی نیز برهم‌نخوردن موالات در نماز را شرط تجدید وضو در هنگام نماز دانسته‌اند (سیستانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۵۶).

با توجه به نظریه‌های پیش‌گفته درباره حکم مسئله، می‌توان دریافت که دیدگاه چهارم، به جهت باور به وجوب وضو در هنگام نماز در مقابل دیگر دیدگاه‌ها قرار دارد؛ از همین رو بررسی مستندات آن بایسته می‌نماید.

### ۳. ادله باورمندان به وجوب وضو

کسانی که وضو را در هنگام نماز برای فردی که دچار تقاطر مستمر است، واجب دانسته‌اند برای اثبات دیدگاه خویش به دلایلی استناد کرده‌اند. این بخش در پی بازخوانی این ادله است.

#### ۳-۱. روایات

مهم‌ترین دلیل باورمندان به وجوب تجدید وضو در هنگام نماز، به روایات ذیل مستند است:

(۱) محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: «صَاحِبُ الْبَطْنِ الْغَالِبِ يَتَوَضَّأُ ثُمَّ يَرْجِعُ فِي صَلَاتِهِ فَيَتِمُّ مَا بَقِيَ؛ شخص مبطن اگر در اثنای نماز این علت بر او غالب شود، وضو می‌سازد و باز می‌گردد به نماز و مابقی را تمام می‌کند» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۹۸). در روایتی مشابه نیز از همین راوی از امام پنجم علیه السلام می‌خوانیم: «صَاحِبُ الْبَطْنِ الْغَالِبِ يَتَوَضَّأُ وَ يَتَّبِعِي عَلَى صَلَاتِهِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۶۳).

(۲) حریر بن عبدالله از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «إِذَا كَانَ الرَّجُلُ يَقْطُرُ مِنْهُ الْبَوْلُ وَ الدَّمُ إِذَا كَانَ حِينَ الصَّلَاةِ اتَّخَذَ كَيْسًا وَ جَعَلَ فِيهِ قُطْنًا ثُمَّ عَلَّقَهُ عَلَيْهِ وَ أَدْخَلَ ذَكَرَهُ فِيهِ ثُمَّ صَلَّى يَجْمَعُ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ الظُّهْرِ وَ العَصْرِ يُؤَخِّرُ الظُّهْرَ وَ يُعَجِّلُ العَصْرَ بِأَذَانٍ وَ إِقَامَتَيْنِ وَ يُؤَخِّرُ المَغْرِبَ وَ يُعَجِّلُ العِشَاءَ بِأَذَانٍ وَ إِقَامَتَيْنِ وَ يَفْعَلُ ذَلِكَ فِي الصُّبْحِ؛ هر گاه شخصی بول یا خون از او بی‌اختیار قطره قطره می‌آید، چون وقت نماز شد کیسه‌ای برداشته و



مقداری پنبه برای جذب رطوبت در آن می‌گذارد، سپس آن را بر خود می‌آویزد و آلت خویش را در آن نهاده، سپس به نماز می‌ایستد؛ اما به این ترتیب که نمازهای ظهر و عصر را با هم می‌خواند، یعنی نماز ظهر را تأخیر انداخته و نماز عصر را جلو می‌اندازد و با يك اذان و دو اقامه نماز را به جای می‌آورد و همین طور نماز مغرب را از اول وقت آن تأخیر انداخته و نماز عشا را جلو می‌اندازد با يك اذان و دو اقامه و همان کار را در مورد نماز صبح می‌کند» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۶۴).

۳) حریر بن عبدالله از فضیل بن یسار نقل می‌کند:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَكُونُ فِي الصَّلَاةِ فَأَجِدُ عَمْرًا فِي بَطْنِي أَوْ أَدَى أَوْ صَرَبَانًا فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ انْصَرَفْ ثُمَّ تَوَضَّأْ وَابْنِ عَلَيَّ مَا مَضَى مِنْ صَلَاتِكَ مَا لَمْ تَنْقُضِ الصَّلَاةَ بِالْكَلامِ مُتَعَمِّدًا فَإِنْ تَكَلَّمْتَ نَاسِيًا فَلَا شَيْءَ عَلَيْكَ فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ تَكَلَّمَ فِي الصَّلَاةِ نَاسِيًا قُلْتُ وَإِنْ قَلْبٌ وَجْهَهُ عَنِ الْقِبْلَةِ قَالَ نَعَمْ وَإِنْ قَلْبٌ وَجْهَهُ عَنِ الْقِبْلَةِ؛ گاهی که در نماز هستم در شکم خود پیچش باد و سر و صدا یا قرقری حس می‌کنم، چه کنم؟ آن حضرت فرمود: برگرد و وضو بگیر و بنا بگذار بر آنچه که از نماز انجام داده‌ای؛ به شرط اینکه نماز را با سخن گفتن عمدی باطل نکنی و اگر از روی سهو و فراموشی سخن گفتی چیزی بر تو نیست و این به منزله کسی است که از روی فراموشی در نماز سخنی بگوید. عرض کردم: هر چند چنین کسی روی از قبله بگرداند؟ فرمود: آری، اگر چه روی از قبله هم بگرداند (طوسی، ۱۴۰۷ق «الف»، ج ۲، ص ۳۳۲).

کسانی تنها به روایت اول به عنوان دلیل این مسئله رجوع کرده‌اند (نک: حکیم، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۶۷). برخی نیز صحیحه حریر را جزو ادله بر شمرده‌اند (مشکینی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۵۷؛ مدرسه فقهت، درس خارج فقه استاد حسینی بوشهری، جلسه ۱۳۹۹/۰۸/۰۵). برخی نیز به هر سه روایت اشاره کرده‌اند (نک: نجفی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۲۶؛ محقق سبزواری، بی تا، ج ۱، ص ۳۹؛ ترحینی عاملی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۵۳؛ طباطبایی تبریزی، بی تا، ج ۱، صص ۲۸۲-۲۸۵).

اگر عبارت «يَتَوَضَّأُ ثُمَّ يَرْجِعُ فِي صَلَاتِهِ فَيَتِمُّ مَا بَقِيَ» را در روایت اول به معنای وضو گرفتن در نماز و ادامه همان نماز با این وضو بدانیم (فاضل لنگرانی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۲۱۳)،

محل استنادی برای فتوای پیش گفته خواهد بود. چنان که برخی همین معنا را برگزیده‌اند (حکیم، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۶۸). عبارت «يَتَوَضَّأُ وَ بَيْنِي عَلَى صَلَاتِهِ» در روایت محمد بن مسلم نیز می‌تواند به معنای تجدید وضو در اثنای نماز باشد (نک: خوئی، ۱۴۱۸، ج ۶، ص ۲۱۷). عبارت «انصرفت ثم تَوَضَّأُ وَابْنِ عَلِيٍّ مَا مَضَى مِنْ صَلَاتِكَ» در گزارش فضیل بن یسار نیز در ظاهر می‌تواند به معنای قطع کردن نماز و وضو گرفتن و سپس ادامه دادن نماز باشد (طباطبایی بروجردی، ۱۴۲۶ق، ج ۶، ص ۲۲۳). با وجود این روایت‌ها، برخی بر این باورند که فهم حکم مسئله، مشکل خواهد بود (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۴۲۸).

### ۲-۳. مقتضای قواعد اولیه و اجماع

مقتضای قواعد برآمده از روایت‌هایی همچون «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِطَهْوَرٍ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۶۵) «يَا زُرَّارَةُ كُلُّ هَذَا سَنَةٌ وَالْوُضُوءُ فَرِيضَةٌ وَلَيْسَ شَيْءٌ مِنَ السَّنَةِ يَنْقُضُ الْفَرِيضَةَ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۶۳) و «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ الْفَرَضِ فِي الصَّلَاةِ فَقَالَ الْوَقْتُ وَالطَّهْوَرُ وَالْقِبْلَةُ وَالتَّوَجُّهُ وَالرُّكُوعُ وَالسُّجُودُ وَالِدُعَاءُ قُلْتُ مَا سِوَى ذَلِكَ فَقَالَ سَنَةٌ فِي فَرِيضَةٍ» (طوسی، ۱۴۰۷ق «الف»، ج ۲، ص ۴۱). این است که انجام دادن فریضه نماز به طهارت نیاز دارد و به واسطه این نصوص، ادای نماز در هیچ حالی ساقط نخواهد بود (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۲۲؛ همدانی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۱۳؛ حکیم، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۶۷؛ آملی، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۵۱؛ خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۲۰۹؛ اشتهازی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۴۷۱). این ادله در حق مسلوس و مبطون، تخصیص‌پذیر نیستند (همدانی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۱۴). افزون بر این ادله لفظی، اجماع نیز بر عدم سقوط نماز با تعذر از طهارت تعلق گرفته است. غیراختیاری بودن خروج بول و غائط نیز، شرطیت طهارت برای نماز را رفع نمی‌کند (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۲۱۰).

برخی با وجود ناکافی دانستن روایات پیش گفته توسط باورمندان به وجوب وضو بر اثبات مدعا، مقتضای قاعده اولیه را بر این دانسته‌اند که در هنگام نماز، وضو حاصل شود (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۲۲۰). برخی دیگر نیز در این مسئله به اجماع تمسک کرده‌اند (حکیم، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۶۷). با این حال برخی بر این باورند که مقتضای

احتیاط، در تکرار نماز است (همدانی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۱۵؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۳۲).

#### ۴. نقد و بررسی ادله

با چشم‌پوشی از کاستی‌هایی که برخی بر سند روایات پیش گفته وارد دانسته‌اند (نک: محقق سبزواری، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۹؛ خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۲۱۸) و با عنایت به مسلک و ثوق صدوری برای حصول اطمینان به صدور حدیث، موارد ذیل در نقد ادله باورمندان به وجوب وضو در هنگام نماز، قابل توجه خواهند بود:

#### ۴-۲. ناکافی بودن دلالت روایات دال بر وجوب وضو

با دقت نظر در انواع دلالت‌های اخبار پیش گفته، اشکالاتی به نظریه باورمندان به جواز می‌توان یافت. در این بخش، میزان دلالت هر یک از روایات بر مدعا بررسی خواهد شد.

#### ۴-۲-۱. نقد و بررسی روایت اول

بر اساس جستجو در روایت‌های محمد بن مسلم درباره این موضوع می‌توان دریافت که وی این محتوا را به سه صورت گزارش کرده است. باورمندان به وجوب وضو در میان نماز، به روایات دربردارنده عبارات «يَتَوَضَّأُ ثُمَّ يَرْجِعُ فِي صَلَاتِهِ فَيَتِمُّ مَا بَقِيَ» و «يَتَوَضَّأُ وَ يَبْنِي عَلَى صَلَاتِهِ» استدلال کرده‌اند؛ در حالی که در نقل دیگر، تنها عبارت «يَبْنِي عَلَى صَلَاتِهِ» وجود دارد (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۶، ص ۴۲۶) و نمی‌توان از عبارت مذکور، چنین حکمی را برداشت نمود. به نظر می‌رسد بر شمردن این روایت به عنوان روایتی مستقل از دو روایت دیگر محمد بن مسلم بسیار بعید می‌نماید (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۲۱۲). برخی بر این باورند که دو روایت نخستین منقول از محمد بن مسلم، سبب تقیید اخبار مطلق بیان‌کننده کفایت وضوی اولیه می‌شود (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۴۲۶). اما این استدلال استوار نمی‌نماید؛ زیرا این روایات توسط یک نفر نقل شده و بعید است مسئله‌ای را سه بار از امام علیه السلام پرسش کرده باشد (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۲۱۸).

همچنین اگر از بعید بودن احتمال صدور سه پاسخ مختلف از سوی امام علیه السلام در پاسخ پرسش راوی واحد در یک مسئله و نیز باور به نقل معنای روایت بگذریم و بنا را بر نقل الفاظ این اخبار بدانیم، راه حل جمع میان این سه گزارش، حمل روایت «يَتَوَضَّأُ ثُمَّ يَزُجُّ فِي صَلَاتِهِ» به حالت استحباب است؛ چنان که کسانی نیز بر همین باورند (ر.ک: حسینی شبر، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۷۸؛ علوی گرگانی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۳۶).

همچنین از عبارت «يَتَوَضَّأُ وَ يَبْنِي عَلَيَّ صَلَاتِهِ» نمی‌توان لزوماً برداشت کرد که وضو گرفتن در هنگام نماز واجب است؛ بلکه ظهور این عبارت در آن است که وضوی ابتدایی برای نماز کافی است (فاضل مقداد، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۸۸؛ خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۲۱۷). احتمال اینکه مراد از عبارت «يَبْنِي عَلَيَّ صَلَاتِهِ» در گزارش دوم نقل شده از محمد بن مسلم، بی‌توجهی به حدث ایجاد شده در هنگام نماز باشد، جدی می‌نماید (نک: مدرسه فقهت، درس خارج فقه استاد حسینی بوشهری، جلسه، ۹۹/۰۸/۰۶؛ همانجا، درس خارج فقه استاد توکل، ۱۴۳۶/۰۳/۲۷ق). حداقل می‌توان گفت که برداشت اخیر، از نحوه استنباط باورمندان به وجوب وضو، اظهر خواهد بود (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۲۱۷).

به نظر می‌رسد عبارت «يَتَوَضَّأُ ثُمَّ يَزُجُّ فِي صَلَاتِهِ فَيَتِمُّ مَا بَقِيَ» در دلایل باورمندان به وجوب وضو در هنگام نماز، به معنای انجام وضو نباشد؛ بلکه این عبارت به معنای وضو گرفتن ابتدایی برای نمازهای ظهرین و عشاءین بوده و اکتفای یک وضو برای این دو نماز را به شرط فاصله نینداختن می‌رساند (نک: نجفی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۵۷۲؛ فاضل لنگرانی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۲۱۲). این معنا که راهکار نمازخواندن مکلف مبتلا به این بیماری، تأخیر انداختن نماز ظهر تا پایان وقت و اتصال آن به نماز عصر است، در برخی روایات دیگر نیز مندرج است (نک: ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۶۴)؛ همچنین عبارت «فَيَتِمُّ مَا بَقِيَ» به معنای به جا آوردن دیگر نمازهاست، نه از سر گرفتن ادامه نماز فعلی برای اتمام آن (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۰۶).

حتی اگر ظهور دو روایت منقول از محمد بن مسلم که در مقابل نظر مشهور قرار دارد، پذیرفته نشود، نمی‌توان روایات مستند مشهور را ملاک قرار داد؛ زیرا در این هنگام، در فهم مراد جدی مولا شک حاصل می‌شود. در این حالت، باید به اصول عملی

مراجعه کرد و از آنجا که شک به اصل تکلیف بر می‌گردد، مجرای اصالة البرائه خواهد بود. پس، حکم به عدم نیاز به وضوی در هنگام نماز، بایسته خواهد بود.

#### ۲-۲-۴. نقد و بررسی روایت دوم

عبارت «إِذَا كَانَ حِينَ الصَّلَاةِ اتَّخَذَ كَيْسًا وَجَعَلَ فِيهِ فُطْنًا ثُمَّ عَلَّقَهُ عَلَيْهِ وَأَدْخَلَ ذِكْرَهُ فِيهِ ثُمَّ صَلَّى يَجْمَعُ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ» در صحیح حریز از امام صادق علیه السلام که مورد استفاده استدلال کنندگان به وجوب وضو در هنگام نماز قرار گرفته نیز دال بر تجدید وضو در هنگام نماز نخواهد بود. این روایت در مقام بیان حکم مسلوس از جهت ایجاد نجاست در هنگام نماز است و از حکم وضو در چنین حالتی ساکت است (انصاری، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۴۱۸؛ صافی گلپایگانی، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۴۲۰؛ صالحی مازندرانی، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۷۱؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۲۱۶). نیک هویداست که امر به جمع میان دو نماز و نیاز نبودن به وضوی مجدد برای نماز دوم، خود رهنمودی است بر نبود نیاز به تجدید وضو در اثنای نماز.

یکی از قرینه‌های شاهد بر استدلال، اشاره به خروج خون از مخرج بول در فراز «يَقْطُرُ مِنْهُ الْبَوْلُ وَ الدَّمُ» است. از آنجا که امام علیه السلام تنها حکم به مهار بول یا خون داده‌اند، می‌توان فهمید که ایشان تنها در مقام بیان راه حل جلوگیری از سرایت نجاست هستند؛ زیرا خروج خون از مبطلات نماز شمرده نمی‌شود؛ ولی به سبب سرایت نجاست آن به لباس، می‌تواند طهارت لباس نمازگزار را دچار خدشه کند و وی موظف به جلوگیری از سرایت نجاست به بدن و لباس است (نک: حکیم، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۵۶؛ همچنین از فقره «يَفْعَلُ ذَلِكَ فِي الصُّبْحِ» می‌توان فهمید مراد از «يَجْمَعُ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ»، استفاده از کیسه برای نمازهای ظهر و عصر - به شرط فاصله‌نینداختن میان آن دو - است، نه در مقام بیان اکتفا به یک وضو برای دو نماز؛ زیرا روایت، در مقام بیان حکم وضوی اولیه است؛ از این رو شخص مبتلا به تکرر، تنها در دو نماز پیوسته مجاز به اکتفا کردن به یک وضو خواهد بود و برای نمازهای بعدی نیاز به وضوی مجدد دارد (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۵۸۱؛ خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۲۱۶).

### ۳-۲-۴. نقد و بررسی روایت سوم

عبارت «انصرفت ثم تَوَضَّأُ» در صحیحہ فضیل بن یسار نیز به معنای اتمام نماز و وضو برای نمازهای دیگر دانسته شده است (فاضل ہندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۵۸۱)؛ همچنین محتمل است منظور از عبارت «أَكُونُ فِي الصَّلَاةِ» در این روایت، بیان به جا آوردن نماز و عزم بر آن باشد؛ نه وضوی مجدد (فاضل ہندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۵۸۱)؛ بر این اساس این روایت دلالت آشکاری بر وقوع حدث در هنگام نماز نخواهد داشت (محقق سبزواری، بی تا، ج ۱، ص ۳۹). هرچند برخی بر این باورند کہ عبارت فوق از روی تقيہ صادر شده است (حکیم، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۵۲۶؛ آملی، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۶۹؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۱۶۵). بر اساس همین اختلاف برداشت از روایات، کسانی بر این باورند کہ حکم به وجوب وضو در هنگام نماز، بر دلیلی پذیرفتنی استوار نیست (صالحی مازندرانی، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۷۲؛ حسینی شیر، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۷۷؛ پایگاہ اینترنتی آية الله العظمی مظاهری، درس خارج فقه، شماره ۲۱۸).

### ۳-۴. مخالفت با دیگر روایات

افزون بر آنچه گفته شد، روایاتی می توان یافت کہ در آنها موضوع نماز شخص بی اختیار، مطرح شده و در آنها سخنی از وضوی مجدد نیست. این روایات به شکل ذیل گزارش شده اند:

- سماعه بن مهران در حدیث موثقی از امام صادق علیه السلام روایت می کند: «سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أَحَدَهُ تَقْطِيرٌ مِنْ فَوْجِهِ إِمَّا دَمٌ وَإِمَّا غَيْرُهُ؟ قَالَ فَلْيَضَعْ حَرِيْطَةً وَ لِيَتَوَضَّأْ وَ لِيُصَلِّ فَإِنَّمَا ذَلِكَ بَلَاءٌ ابْتَلِي بِهِ فَلَا يُعِيدَنَّ إِلَّا مِنَ الْحَدَثِ الَّذِي يَتَوَضَّأُ مِنْهُ» (طوسی، ۱۴۰۷ق «الف»، ج ۱، ص ۳۴۹).

- در صحیحہ منصور بن حازم از امام صادق علیه السلام نیز آمده است: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الرَّجُلُ يَغْتَرِيهِ الْبَوْلُ، وَ لَا يَقْدِرُ عَلَى حَبْسِهِ؟ قَالَ: فَقَالَ لِي: «إِذَا لَمْ يَقْدِرْ عَلَى حَبْسِهِ، فَاللَّهُ أَوْلَى بِالْعُدْرِ، يَجْعَلُ حَرِيْطَةً» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۵، ص ۶۶).

- صحیحہ عبد الرحیم کہ گزارش مکاتبه وی با امام رضا علیه السلام است، روایت شده

است: «كُنْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام فِي الْخَصِيِّ يَبُولُ فَيُلْقَى مِنْ ذَلِكَ شِدَّةً فَيَرَى الْبَلَلَ بَعْدَ الْبَلْلِ قَالَ يَتَوَضَّأُ وَ يَنْتَضِحُ فِي النَّهَارِ مَرَّةً وَاحِدَةً» (طوسی، ۱۴۰۷ق «الف»، ج ۱، ص ۳۵۳).  
- ابن بکیر از محمد بن مسلم نقل می کند: «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ الْمَبْطُونِ فَقَالَ يَبْنِي عَلَي صَلَاتِهِ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۶، ص ۴۲۶).

همان گونه که گفته شد، بر اساس الغای خصوصیت میان مسلوس و مبطون فرقی نیست؛ از این رو حکم این روایات را می توان به مناط واحد در مورد شخص مبطون نیز جاری دانست.

ظهور روایت اول در این است که یک بار وضو گرفتن برای شخص مسلوس، کافی بوده و وضوی مجدد او تنها منوط به حدوث یکی دیگر از مبطلات وضو یا خروج اختیاری بول است (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۲۱۴). شایان توجه است که در برخی نسخه ها به جای واژه «فَرْجِهِ» واژه «فُرْجِه» آمده است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۶۶). با این وجود با توجه به حکم امام عليه السلام به عدم اعاده وضو و نیز به سبب آگاهی به نبود نیاز به تجدید طهارت در صورت تقطیر خون، می توان دریافت که واژه «فَرْجِهِ» صحیح است. برخی نیز بر این باورند که حکم استفاده از کیسه مخصوص با عنوان خریطه، نادرستی واژه «فُرْجِه» را آشکار می کند؛ زیرا این کیسه، وسیله ای است که برای مهار نجاست عضو تناسلی به کار می رود (نک: خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۲۱۵).

روایت دوم نیز در مقام بیان راه حل زدودن نجاست حاصل از تکرر است و بر وضو در هنگام نماز دلالتی ندارد. در این خبر، پرسشگر در صدد یافتن حکم شرعی شخصی است که دچار این بیماری شده است. از اطلاق پاسخ امام عليه السلام در عبارت «يَجْعَلُ خَرِيْطَةً» می توان دریافت که وظیفه ظاهری او تنها استفاده از کیسه ای برای جلوگیری از سرایت نجاست است. اگر لازم می بود که وی در هنگام نماز، وضویی تازه بسازد، بایسته بود که امام عليه السلام این حکم را تبیین کنند؛ زیرا تأخیر بیان حکم از وقت نیاز بدان، سبب اغرا به جهل و در ماندن مکلف خواهد شد.

در روایت سوم که سخن از فرد اخته ای است که دچار تکرر ادرار شده است؛ زدودن یک بار نجاست در طول روز کافی دانسته شده است. از این لحاظ به حکم زن

پرستار کودک که بیش از یک لباس نداشته و در طول روز بارها لباس او آلوده به نجاسات کودکان می‌شود، شباهت دارد (نک: نجفی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۲۳۱؛ یزدی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۲۱۳). از عبارت «يَنْتَضِحُ فِي النَّهَارِ مَرَّةً وَاحِدَةً» در این روایت نیز می‌توان فهمید که یک‌بار پاک کردن مخرج بول در طول روز برای پاکی کافی است؛ زیرا در دانش واژه‌شناسی «انتضاح» به معنای زدودن آلودگی از مخرج بول است (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۶۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۱۰۰)؛ بر این اساس منظور از وضو در این روایت، همان پاک کردن موضع مورد نظر است، نه وضوی اصطلاحی (همدانی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۱۹؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۲۲۰). نکته قابل توجه در فقره «فَيَزِي الْبَلْلَ بَعْدَ الْبَلْلِ قَالَ يَتَوَضَّأُ» این است که به قرینه امر امام عليه السلام به وضو گرفتن، مراد از بَلْل، همان نم حاصل از تکرر بول است، نه مواردی چون وِذی و مِذی؛ زیرا این موارد نیازی به وضو ندارند.

در روایت چهارم نیز به وضوح ادامه نماز برای شخصی که در نماز دچار تکرر خروج غائط شده، جایز شمرده شده است. حال یا این غائط، وضوی شخص مبتلا را باطل نمی‌کند یا اینکه در صورت ابطال هم معفو خواهد بود. بر اساس روایات اخیر، وضو گرفتن برای شخصی که دچار بی‌اختیاری در نماز است، وجوبی نخواهد داشت. حتی در صورت باور به تساقط دو دسته از دلایل در هنگامه تعارض آنها،<sup>۱</sup> به روایت‌های دیگری چون موثقه سماعه و صحیحه منصور بن حازم می‌توان مراجعه کرد و از عموم تعلیل مندرج در آنها بهره برد که از عبارت‌هایی چون «فَإِنَّمَا ذَلِكَ بَلَاءٌ ابْتُلِيَ بِهِ فَلَا يُعِيدَنَّ» و «فَاللَّهُ أَوْلَى بِالْعُدْرِ» بر می‌آید. در این باره در بخش ۵-۳-۱ بیشتر سخن خواهیم گفت.

#### ۴-۴. بررسی و نقد استناد به اجماع و قواعد اولیه

اجماع ادعایی، به سبب وجود روایاتی درباره این موضوع (نک: حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۶،

۱. تعارض در این مورد بدان معناست که دسته‌ای از روایات، وضو در هنگام نماز را واجب نمی‌دانند و دسته‌ای دیگر به آن امر کرده‌اند.



صص ۲۷۶-۲۷۷)، مدرکی می‌نماید که فاقد اعتبار است؛ زیرا کاشفیت ندارد (اشتهاردی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۴۷۲). اگر هم مراد از اجماع، اتفاق نظر فقیهان در مسئله باشد؛ باز هم خدشه‌پذیر خواهد بود؛ زیرا بر اساس آنچه گفته شد، نظریه مخالف با این اتفاق وجود داشته و حتی به باور کسانی، مشهور فقیهان مخالف با تجدید وضو در هنگام نماز هستند (نک: آملی، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۵۷)؛ بر این اساس اجماع یا اتفاق فقیهان در موضوع مورد نظر، احراز نشده و حتی در صورت احراز، شایستگی بهره‌گیری در قامت دلیل را ندارد.

**قواعد اولیه نیز به دو علت ذیل درباره بیماران مورد نظر، جاری نخواهند بود:**

#### ۳-۱- مخالفت با امتنان بر مکلف

امتنان بر مکلف عبارت است از جعل حکم خاص یا رفع حکم پیشین به گونه‌ای که با وضع یا رفع آن، برای مکلفان راحتی ایجاد شود (مجدزاده، ۱۳۹۷، ص ۱۹۵). برخی از فقیهان به تناسب حکم امتنانی با آسان‌گیری بر مکلف و ترخیص او اشاره داشته‌اند (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۵۴۸). از دیگر سو به حکم خرد استوار، احکام امتنانی تنها در مواردی تخصیص‌پذیر هستند که حکم خاص، در تراحم با امتنان اولیه نباشد و یا اینکه دلیل خاص در بردارنده امتنانی قوی‌تر از امر تسهیل‌شده در عام باشد (سیستانی، بی‌تا، ص ۲۰۸)؛ همچنین عموم تعلیل مندرج در موثقه سماعه «ذَلِكَ بَلَاءٌ ابْتَلِي بِهِ، فَلَا يُعِيدَنَّ» دال بر عدم وجوب وضو در اثنای نماز است (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۲۱۸).

از عبارتهایی چون «ذَلِكَ بَلَاءٌ ابْتَلِي بِهِ، فَلَا يُعِيدَنَّ إِلَّا مِنَ الْحَدَثِ الَّذِي يَتَوَضَّأُ مِنْهُ» در روایات پیش گفته، امتنانی بودن حکم به آشکاری فهمیده می‌شود؛ زیرا تعلیل مندرج در این عبارت عام بوده (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۲۱۸)، تخصیص‌پذیر نخواهد بود. مفهوم کلی معذور بودن بیمار و تفاوت وی با افراد تندرست، در روایت ذیل نیز مندرج است: «قَالَ مُرَازِمُ بْنُ حَكِيمٍ الْأُرْدِيُّ مَرِضْتُ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ لَمْ أَتَنَقَّلْ فِيهَا فَقُلْتُ ذَلِكَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَالَ لَيْسَ عَلَيْكَ فَضَاءٌ إِنَّ الْمَرِيضَ لَيْسَ كَالصَّحِيحِ كُلُّ مَا غَلَبَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ فَاللَّهُ أَوْلَى بِالْعُدْرِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۶۴). برخی نیز روایت «كُلُّ مَا غَلَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ، فَاللَّهُ

أُولَى بِالْعُدْرِ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۶، ص ۴۴۰) را در قامت قاعده‌ای عمومی با عنوان «ما غلب الله» استناد کرده و معذوریت مکلف مبتلا به تکرّر در حصول طهارت در هنگامه نماز را نتیجه گرفته‌اند (انصاری، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۴۱۶)؛ بر این اساس در هر حدث غیراختیاری نیازی به اعاده وضو نخواهد بود (خونی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۲۱۶).

برخی نیز بر این باورند که حدث غیرمتعارف در هنگام نماز سبب ابطال وضو نمی‌شود (بحرانی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۸۷؛ همدانی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۲۰؛ طباطبایی تبریزی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۸۴؛ شبیری زنجانی، ۱۳۸۸، ص ۶۷). بر اساس باور به امتنانی بودن حکم این افراد، عموماً ادله رهنمون بر استمرار طهارت و ناقضیت حدث در مورد مسلوس تخصیص خورده است (مدرسه فقهات، درس خارج فقه استاد مصطفوی، ۱۳۹۷/۰۱/۱۸)؛ همچنین از آنجا که حکم استفاده از خریطه، به جهت امتنان بر مکلفان جعل شده است، حکم جدید بر آن نباید مخالف مقام امتنان باشد؛ در حالی که حکم وضوی جدید، به جهت دشواری بر مکلف بیمار، خلاف مقام امتنان خواهد بود.

گفتنی است که نماز همراه با حدث خاصّ برای مسلوس و مبطون، نماز عذری نزد عرف شمرده می‌شود که جایگزین نماز مأمور به تامّ در حالت عادی است (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۲۱۰). این مفهوم را از عبارت «إِذَا لَمْ يَفِدِرْ عَلَى حَبْسِهِ، قَالَ اللَّهُ أُولَى بِالْعُدْرِ» در صحیح‌ه منصور بن حازم نیز می‌توان دریافت. نماز به واسطه خروج بول یا غائط غیراختیاری، منقطع نمی‌شود؛ چه اینکه این حالت، مبطل وضو باشد یا نباشد (همدانی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۱۶)؛ همچنین درباره مسلوس، ملازمه‌ای میان صحت نماز با استمرار طهارت وجود ندارد (ترحینی عاملی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۵۴)؛ پس ادله دال بر شرطیت طهارت برای نماز مانند «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِطَهْوَر»، حداکثر بتوانند استمرار طهارت تا پایان نماز از روی اختیار را اثبات کنند؛ در حالی که موضوع مسئله مورد بحث، حکم مبطلات غیراختیاری در هنگام نماز است.

#### ۲-۳-۴. صدق عنوان فعل کثیر

فعل کثیر در هنگام نماز عبارت است از عملی افزون بر افعال نماز که سبب می‌شود فرد

از عنوان نماز گزار بودن خارج شود (شهید اول، ۱۴۳۵ق، ج ۱، ص ۱۳۵؛ علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۲۹۳؛ مقدس اردبیلی، بی تا، ج ۳، ص ۶۹) و صورت نماز محو گردد (موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۴۶۶). برخی نیز برهم خوردن موالات افعال نماز را مایه صدق عنوان فعل کثیر دانسته‌اند (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۱۱، ص ۶۲).

از آنجا که برای چگونگی مبطل بودن فعل کثیر در ادله لفظی شاهی نمی توان یافت، باید برای فهم آن به دیدگاه متشرعه در این باره مراجعه کرد. برخی بر این باورند که تشخیص فعل کثیر با عادت است (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص ۴۳؛ بهبهانی، ۱۴۲۴ق، ج ۹، ص ۴۷). به نظر می رسد مراد از مرجعیت عادت در این دیدگاه، همان رجوع به عرف و سیره متشرعه باشد. همان گونه که دانشوران فراوانی این مفاهیم را به جای هم به کار برده‌اند (ر.ک: حکیم، ۱۹۷۹م، ص ۱۹۸؛ کاظمی خراسانی، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۱۹۲؛ مظفر، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۱۵۳؛ مغنیه، ۱۹۷۵م، ص ۲۲۲؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۸۸۳؛ ج ۴، ص ۲۴۶۹). در این گونه موارد به جا آوردن عملی به جز اعمال نماز در هنگام آن، در صورت نبود روایت معتبر بر جواز آن، سبب می شود که عرف از برشمردن انجام دهنده آن در زمره نماز گزاران خودداری کند (مقدس اردبیلی، بی تا، ج ۳، ص ۶۹).

باورمندان به وجوب وضو در اثنای نماز، فاصله‌ای را که به سبب وضو گرفتن در هنگام نماز ایجاد می شود، جزو نماز نمی شمارند و روایت «لا صلوة الا بطهور» را در مورد اکوان متخلله در نماز جاری نمی دانند (نک: خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۲۱۳؛ مدرسه فقهت، درس خارج فقه استاد حسینی بوشهری، جلسه: ۱۳۹۹/۰۸/۰۳). در مقابل، عده‌ای بر این باورند که وضو در هنگامه نماز، گونه‌ای از فعل کثیر خواهد بود (انصاری، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۴۱۷؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۵۸۲؛ حائری، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۱۲۹؛ آملی، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۵۷؛ منتظری، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۶؛ طباطبایی تبریزی، بی تا، ج ۱، ص ۲۸۲).

برخی بر این باورند که سبب وجود روایاتی مانند صحیح حلی از امام صادق علیه السلام «سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُصِيبُهُ الرُّعَاثُ وَ هُوَ فِي الصَّلَاةِ فَقَالَ إِنَّ قَدَرَ عَلَيَّ مَاءٍ عِنْدَهُ يَمِينًا وَ شِمَالًا أَوْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ هُوَ مُسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةِ فَلْيَغْسِلْهُ عَنْهُ ثُمَّ لِيُصَلِّ مَا بَقِيَ مِنْ صَلَاتِهِ وَ إِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَيَّ مَاءٍ حَتَّى يَنْصَرِفَ يَوْجِهِهِ أَوْ يَتَكَلَّمَ فَقَدْ قَطَعَ صَلَاتَهُ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۷،

ص ۲۳۹) که شستن لباس متنجس در هنگام نماز را جایز دانسته‌اند، با وضو گرفتن هم، فعل کثیر لازم نمی‌آید (نک: همدانی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۱۶؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۲۱۱). نیک روشن است که قیاس حکم تجدید وضو با حکم پاک کردن لباس در هنگام نماز، امری نارواست.

در صورت باور به تساقط ادله دال بر ناقضیت بول در هنگام نماز و ادله دال بر بطلان نماز بواسطه فعل کثیر در هنگامه تعارض این دلایل نیز، ناگزیر از رجوع به اصل عملی استصحاب بوده و حکم به طهارت فعلی می‌کنیم (طباطبایی تبریزی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۸۳؛ همدانی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۱۵)؛ زیرا محل بحث، شک در ناقضیت حدث غیرمتعارف برای بیماران است و چون در ابتدای نماز، وضو حاصل شده بود، حکم آن قابل استصحاب خواهد بود.

## نتیجه‌گیری

بنا بر یافته‌های جستار حاضر، نتایج ذیل درباره طهارت افراد مسلوس و مبطون در هنگام نماز به دست آمد:

۱. برخی فقیهان بر این باورند که بر اساس روایاتی، وضو گرفتن برای کسی که در هنگام نماز دچار دو تا سه بار بی‌اختیاری می‌شود، واجب است. اینان به اجماع و قواعد اولیه و جوب طهارت برای نماز نیز استناد کرده‌اند.
۲. با دقت در سه روایت مورد استناد باورمندان به نظریه پیش‌گفته می‌توان دریافت که دلالت‌های این اخبار بر اثبات مدعا کافی نیست. عبارت «يَتَوَضَّأُ وَيَتَنِي عَلَى صَلَاتِهِ» در یکی از این نقل‌ها، به سه‌گونه از محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام گزارش شده است که احتمال نقل معنا را قابل توجه می‌سازد؛ بنابراین پابندی به الفاظ خاص روایت استوار بود؛ نیز در صورت چشم‌پوشی از این موضوع، این عبارت در اکتفای وضوی اولیه برای نماز، بی‌توجهی به حدث ایجاد شده در هنگام نماز یا حمل بر استحباب قابل توجه خواهد بود. عبارت «فَتَيْمٌ مَا بَقِيَ» نیز در به‌جا آوردن نمازهای بعدی ظهور دارد.
۳. صحیح‌ه حریر نیز تنها در مقام بیان حکم مسلوس از جهت راهکار جلوگیری از

- سرایت نجاست است و دربارهٔ حکم وضو ساکت است. روایت فضیل بن یسار نیز به اتمام نماز و وضوی جدید برای نماز بعدی رهنمون است.
۴. روایاتی را می‌توان یافت که به آشکاری ادامه نماز برای شخصی که دچار بی‌اختیاری است، جایز دانسته‌اند. در این روایت‌ها، به تجدید وضو در هنگامه نماز اشاره‌ای نشده است.
۵. اجماع مورد نظر باورمندان به وجوب در هنگام نماز، اجماع مدرکی است. اتفاق نظر فقیهان نیز به سبب مخالفت عده‌ای با حکم وجوب، قابل احراز نیست.
۶. قواعد اولیه وجوب طهارت در هنگام نماز نیز با توجه به دو عامل جعل حکم امتنانی برای بیماران و صدق عنوان فعل کثیر، بر وجوب وضو در هنگام نماز دلالتی نخواهند داشت.
۷. با توجه به مجموع روایات مربوط به مسلوس و مبطون، می‌توان نتیجه گرفت که حکم این افراد در برابر ادله شرطیت طهارت در اثنای نماز، تخصیص خورده است.

## فهرست منابع

\* قرآن مجید

۱. آل کاشف الغطاء، محمدحسین. (بی تا). سؤال و جواب. قم: مؤسسه کاشف الغطاء العامة.
۲. آملی، محمدتقی. (۱۳۸۴ق). مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی (ج ۴). بی جا: بی نا.
۳. آملی، میرزا هاشم. (۱۴۰۶ق). المعالم الماثورة (مقرر: محمد علی اسماعیلی پور قمشه ای، ج ۵). قم: المطبعة العلمية.
۴. ابن اثیر، مبارک بن محمد. (۱۳۶۷). النهاية فی غریب الحدیث و الأثر (ج ۵، چاپ چهارم). قم: اسماعیلیان.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه (ج ۱، چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (چاپ سوم). بیروت: دار صادر.
۷. اشتهاودی، علی پناه. (۱۴۱۷ق). مدارک العروة (ج ۴). طهران: اسوه.
۸. اصفهانی، سید ابوالحسن. (۱۳۹۲). وسیلة النجاة (با تعلیقات: سیدروح الله موسوی خمینی، ج ۱). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۹. انصاری، مرتضی. (۱۴۱۸ق). کتاب الطهارة (ج ۱، چاپ اول). قم: المؤتمر العلمي بمناسبه الذکری المئویة الثانیة لمیلاد الشیخ الانصاری.
۱۰. بهبهانی، محمدباقر بن محمد اکمل. (۱۴۲۴ق). مصابیح الظلام فی شرح مفاتیح الشرائح (ج ۳ و ۹)، محقق: مؤسسه تحقیقاتی علامه مجدّد وحید بهبهانی علیه السلام. قم: مؤسسه علامه مجدّد وحید بهبهانی.
۱۱. بهجت، محمدتقی. (۱۴۲۳ق). وسیله النجاه. قم: شفق.
۱۲. بحرانی، یوسف. (۱۳۶۳). الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة (ج ۲). قم: مرکز نشر اسلامی.

۱۳. ترحینی عاملی، محمدحسن. (۱۳۸۵). الزبده الفقہیہ فی شرح الروضہ البہیہ (ج ۲). بی جا: دار الفقه للطباعه و النشر.
۱۴. تہانوی، محمدعلی بن علی. (۱۹۹۶م). کشف اصطلاحات الفنون (ج ۲، چاپ اول). بیروت: مکتبہ لبنان ناشرون.
۱۵. ثعالبی، عبدالملک بن محمد. (۱۴۱۴ق). فقه اللغة (چاپ اول). بیروت: دار الکتب العلمیہ.
۱۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۸). مبسوط در ترمینولوژی حقوق (ج ۲، چاپ اول). تہران: کتابخانہ گنج دانش.
۱۷. جوهر، سامر. (۲۰۰۳م). فقه الولی: الوضوء. نشریہ بقیۃ اللہ ﷺ. شماره ۱۳۸، صص ۶۴-۶۷.
۱۸. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶ق). الصحاح (ج ۳، چاپ اول). بیروت: دار العلم للملایین.
۱۹. حائری، مرتضی. (۱۴۲۵ق). شرح العروۃ الوثقی (ج ۴). قم: مؤسسۃ النشر الإسلامی.
۲۰. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعۃ (ج ۱ و ۲، چاپ اول). قم: مؤسسہ آل البیت ﷺ.
۲۱. حسینی شبر، علی. (۱۳۸۳ق). العمل الأبقی فی شرح العروۃ الوثقی (ج ۲). نجف اشرف: مطبعۃ النجف.
۲۲. حکیم، سیدمحسن. (۱۳۷۴). مستمسک العروۃ الوثقی (ج ۲). قم: دار التفسیر.
۲۳. حکیم، سیدمحمدسعید. (۱۴۲۵ق). منهاج الصالحین (ج ۱، چاپ سوم). قم: دار الہلال.
۲۴. حکیم، محمدتقی. (۱۹۷۹م). الاصول العامہ للفقہ المقارن (چاپ دوم). بیروت: آل البیت ﷺ.
۲۵. خوی، سیدابوالقاسم. (۱۴۱۸ق). موسوعۃ الامام الخوی (ج ۶). قم: مؤسسہ احیاء آثار الامام الخوی ﷺ.
۲۶. روحانی، سیدصادق. (۱۴۳۵ق). منهاج الصالحین (ج ۱، چاپ دوم). بیروت: دار بلال للطباعه و النشر.
۲۷. روحانی، عباسعلی؛ عزیزادہ، نگار. (۱۳۹۶). الخلل فی الغسل با رویکردی بر آرای امام خمینی ﷺ. پژوهشنامہ متین، شماره ۷۵، صص ۱۱۱-۱۲۸.

۲۸. زبیدی، محمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس (ج ۱۸). بیروت: دار الفکر.
۲۹. سبزواری، سید عبدالاعلی. (۱۴۱۳ق). مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام (ج ۷). قم: سید عبدالاعلی موسوی سبزواری.
۳۰. سیستانی، سید علی. (۱۴۱۸ق). منهاج الصالحین (ج ۱، چاپ هفتم). بیروت: دار المؤرخ العربی.
۳۱. سیستانی، سید علی. (۱۴۲۵ق). العروة الوثقی (ج ۱، چاپ دوم). قم: مکتبه آیه الله العظمی السید السیستانی.
۳۲. سیستانی، سید محمدباقر. (بی تا). قاعده لاضرر و لاضرار (تقریر درس سید علی سیستانی) قم: بی تا.
۳۳. شبیری زنجانی، موسی. (۱۳۸۸). توضیح المسائل. قم: سلسیل.
۳۴. شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۳۵ق). غایه المراد فی شرح ارشاد الازهان (ج ۱). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳۵. شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۳۰ق). موسوعة الشهيد الأول (ج ۹). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. مرکز احیای آثار اسلامی.
۳۶. صافی گلپایگانی، علی. (۱۳۸۵). ذخیره العقبی فی شرح العروة الوثقی (ج ۶). قم: گنج عرفان.
۳۷. صالحی مازندرانی، اسماعیل. (۱۳۷۶). مفتاح البصیرة فی فقه الشریعة (ج ۶). قم: مکتب آیه الله العظمی صالحی مازندرانی رحمته الله علیه.
۳۸. طباطبایی بروجردی، سید حسین. (۱۴۲۶ق). تبیان الصلاة (ج ۶، تقریر: علی صافی گلپایگانی). قم: گنج عرفان.
۳۹. طباطبایی تبریزی، سید محمدجواد. (بی تا). بغیة الهداة فی شرح وسیلة النجاة (ج ۱). نجف اشرف: مطبعة الآداب.
۴۰. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الإمامیة (ج ۱). تهران: مکتبه المرتضویة.



۴۱. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق «الف»). تهذیب الأحكام (ج ۲، چاپ چهارم). تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۴۲. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق «ب»). الخلاف (ج ۱). قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۴۳. عراقی، آغا ضیاء الدین. (۱۴۱۰ق). تعلیقه استدلالیه علی العروة الوثقی. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۴۴. عشقی، زهرا؛ عندلیبی، رضا. (۱۴۰۰). وظیفه مسلوس و مبطون در حجّ. میقات حجّ، شماره ۱۱۱، صص ۲۷-۵۱.
۴۵. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۲ق). منتهی المطلب (ج ۲ و ۵). مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی.
۴۶. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۴ق). تذکره الفقهاء (ج ۱). قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
۴۷. علوی گرگانی، سید محمد علی. (۱۳۹۴). التعلیقه علی تحریر الوسیلة (ج ۱). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۴۸. فاضل لنکرانی، محمد. (۱۳۹۰). تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة (ج ۳، چاپ اول). قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۴۹. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله. (۱۴۰۴ق). التنقیح الرائع لمختصر الشرائع (ج ۱). قم: مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی علیه السلام.
۵۰. فاضل هندی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ق). کشف اللثام عن قواعد الاحکام (ج ۱). قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۵۱. فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی (چاپ دوم). قم: دارالهجره.
۵۲. کاظمی خراسانی، محمد علی. (۱۴۰۶ق). فوائد الاصول (ج ۳). قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۵۳. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ق). الکافی (ج ۶، چاپ اول). قم: دارالحديث.
۵۴. گلپایگانی، محمدرضا. (۱۳۷۱). هداية العباد (ج ۱). قم: دار القرآن الکریم.

۵۵. مامقانی، عبدالله. خطاط احمد بن محمدرضا قمی. (۱۳۴۱ق). مخزن اللثالی فی فروع العلم الإجمالي. نجف اشرف: مطبعة المرتضوية.
۵۶. مجدزاده، بهروز. (۱۳۹۱). احکام امتثالی (ماهیت، معیار، مصادیق و آثار). دانشگاه فردوسی مشهد.
۵۷. محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۱۲ق). النهاية و نکتها (ج ۱). قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
۵۸. محقق سبزواری، محمدباقر. (بی تا). ذخیرة المعاد فی شرح إرشاد (ج ۱). قم: مؤسسة آل البيت.
۵۹. محقق کرکی، علی بن حسن. (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد (ج ۱). قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام.
۶۰. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). تاج العروس (ج ۸، چاپ اول). بیروت: دار الفکر.
۶۱. مشکینی، علی. (۱۳۹۰). التعليقه الاستدلاليه علی تحرير الوسيله (ج ۱). قم: دارالحديث.
۶۲. مظفر، محمدرضا. (۱۴۰۵ق). اصول الفقه (ج ۲). قم: نشر دانش اسلامی.
۶۳. مغنیه، محمدجواد. (۱۹۷۵م). علم اصول الفقه فی ثوبه الجديد. بیروت: دارالعلم للملایین.
۶۴. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد. (بی تا). مجمع الفائده و البرهان فی شرح إرشاد الاذهان (ج ۳). قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۶۵. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۴). مناسک حج. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۶۶. منتظری، حسینعلی. (بی تا). التعليقه علی العروة الوثقی (ج ۱). بی جا: بی نا.
۶۷. موسوی خمینی، سید روح الله. (۱۳۹۲). تحرير الوسيله (ج ۱)، تهران: مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۶۸. موسوی عاملی، محمد بن علی. (۱۴۱۱ق). مدارک الاحکام فی شرح شرائع الاسلام (ج ۳). مشهد: مؤسسة آل البيت علیه السلام.
۶۹. نجفی، محمدحسن. (۱۳۶۵). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام (ج ۲ و ۱۱، چاپ دوم). تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۷۰. نراقی، احمد بن محمد مهدی. (۱۴۱۵ق). مستند الشيعة في احكام الشريعة (ج ۷). قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
۷۱. هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۳۹۸). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت عليه السلام (ج ۷، چاپ اول). قم: مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی.
۷۲. همدانی، آقارضا. (۱۴۱۹ق). مصباح الفقيه (ج ۳، چاپ اول). قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۷۳. یزدی، محمد کاظم بن عبد العظیم. (۱۴۲۱ق). العروة الوثقی (ج ۱، عدة من الفقهاء، جامعه مدرسين). قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۷۴. یزدی، محمد کاظم بن عبد العظیم. (۱۳۸۶). العروة الوثقی (ج ۱، با تعليقات ناصر مکارم شیرازی). قم: مدرسة الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام.
۷۵. یزدی، سید محمد کاظم بن عبد العظیم. (۱۳۸۸). العروة الوثقی و التعليقات علیها (ج ۳). قم: مؤسسه السبطين عليه السلام العالمية.
۷۶. پایگاه اینترنتی آیه الله العظمی مظاهری، درس خارج فقه، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۱/۰۶/۰۴  
<http://www.almazaheri.ir/Farsi/Index.aspx?TabID=0702&ID=1011&IDSound=0>
۷۷. مدرسه فقاہت، درس خارج فقه استاد حسینی بوشهری، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۱/۰۶/۰۴  
[www.eshia.ir/feqh/archive/text/bushehri/feqh/99/990803](http://www.eshia.ir/feqh/archive/text/bushehri/feqh/99/990803)
۷۸. مدرسه فقاہت، درس خارج فقه استاد توکل (نجف اشرف)، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۱/۰۶/۰۴  
[www.eshia.ir/Feqh/Archive/text/tavakol/feqh/93/931028](http://www.eshia.ir/Feqh/Archive/text/tavakol/feqh/93/931028)
۷۹. مدرسه فقاہت، درس خارج فقه استاد سید کاظم مصطفوی، تاریخ دسترسی: ۱۴۰۱/۰۶/۰۴  
[www.eshia.ir/Feqh/Archive/text/mostafavi/feqh/96/970118](http://www.eshia.ir/Feqh/Archive/text/mostafavi/feqh/96/970118)

## References

\* Holy Quran

1. Alavi Gorgan, S. M. (1394 AP). *Al-Ta'liqah 'ala Tahreer al-Wasilah* (Vol. 1). Tehran: Organization for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Arabic]
2. Al-Kashaf al-Ghata', M. H. (n.d.). *Su'al wa Jawab*. Qom: Kashaf al-Ghata' Public Institution. [In Arabic]
3. Allame Hilli, H. (1412 AH). *Muntaha al-Matalib* (5<sup>th</sup> ed., Vol. 2). Mashhad: Islamic Research Foundation. [In Arabic]
4. Allame Hilli, H. (1414 AH). *Tadhkirat al-Fuqaha* (Vol. 1). Qom: Aal al-Bayt Institute for the Revival of Heritage. [In Arabic]
5. Ameli, M. H. (1406 AH). *Al-Ma'alim al-Ma'thura* (M. A, Ismaeeli Pour Qamshayi, Ed., Vol. 5). Qom: Al-Matba'ah al-Ilmiyyah. [In Arabic]
6. Ameli, M. T. (1384 AH). *Masbah al-Huda fi Sharh al-'Urwah al-Wuthqa* (Vol. 4). n.p. [In Arabic]
7. Ansari, M. (1418 AH). *Kitab al-Taharah* (1<sup>st</sup> ed., Vol. 1). Qom: Al-Motamar al-Ilmi be Munasebat al-Zikriyyah al-Mi'wiyah al-Thaniyah li Mawlud al-Shaykh al-Ansari. [In Arabic]
8. Bahbahani, M. (1424 AH). *Masabih al-Zalam fi Sharh Mafatih al-Shara'iah* (Vols. 3 &9). Qom: 'Allamah Mujaddid Waheed Bahbahani Institution. [In Arabic]
9. Bahjat, M. T. (1423 AH). *Wasilat al-Najah*. Qom: Shafaq. [In Arabic]
10. Bahrani, Y. (1363 AH). *Al-Hada'iq al-Nadhirah fi Ahkam al-'Itrah al-Tahirah* (Vol. 2). Qom: Islamic Publication Center. [In Arabic]
11. Esfahani, S. A. (1392 AH). *Wasilat al-Najah* (R. Musavi Khomeini, Ed., Vol. 1). Tehran: Institution for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Arabic]
12. Eshqi, Z., & Andalibi, R. (1400 AP). The Role of Maslus and Mobtoun in Hajj. *Maqat Hajj*, 111, pp. 27-51. [In Persian]

13. Eshtehardi, A. P. (1417 AH). *Madarek al-'Urwah* (Vol. 4). Tehran: Osveh. [In Arabic]
14. Fayoumi, A. (1414 AH). *Al-Misbah al-Munir fi Ghareeb al-Sharh al-Kabir lil-Rafi'i* (2<sup>nd</sup> ed.). Qom: Dar al-Hijrah. [In Arabic]
15. Fazel Hendi, M. B. (1416 AH). *Kashf al-Litham 'an Qawa'id al-Ahkam* (Vol. 1). Qom: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]
16. Fazel Lankarani, M. (1390). *Tafsir al-Shari'ah fi Sharh Tahreer al-Wasilah* (1<sup>st</sup> ed., Vol. 3). Qom: Fiqhi Center of the Infallible Imams. [In Arabic]
17. Fazel Meghadad, M. (1404 AH). *Al-Tanqih al-Ra'i' li Mukhtasar al-Shara'i'* (Vol. 1). Qom: Ayatollah al-Uzma al-Mar'ashi al-Najafi Library. [In Arabic]
18. Golpaygani, M. R. (1371 AP). *Hidayat al-'Ibad* (Vol. 1). Qom: Dar al-Quran al-Karim. [In Arabic]
19. Ha'iri, M. (1425 AH). *Sharh al-'Urwah al-Wuthqa* (Vol. 4). Qom: Islamic Publishing Institution. [In Arabic]
20. Hakim, M. T. (1979). *Al-Usul al-'Amah lil-Fiqh al-Muqarin* (2<sup>nd</sup> ed.). Beirut: Aal-al Bayt. [In Arabic]
21. Hakim, S. M. (1374 AH). *Mustamsik al-'Urwah al-Wuthqa* (Vol. 2). Qom: Dar al-Tafsir. [In Arabic]
22. Hakim, S. M. (1425 AH). *Minhaj al-Salihin* (3<sup>rd</sup> ed., Vol. 1). Qom: Dar al-Hilal. [In Arabic]
23. Hamdani, A. Z. (1419 AH). *Masbah al-Faqih* (1<sup>st</sup> ed., Vol. 3). Qom: Maktab al-'Ilami al-Islami. [In Arabic]
24. Hashemi Shahroodi, S. M. (1398 AP). *Jurisprudential culture according to the school of Ahl al-Bayt* (1<sup>st</sup> ed., Vol. 7). Qom: Institute of Islamic Jurisprudence Encyclopedia. [In Arabic]
25. Hurr 'Amili, M. (1409 AH). *Wasa'il al-Shi'a* (1<sup>st</sup> ed., Vols. 1& 26). Qom: Aal al-Bayt. [In Arabic]
26. Husseini Shabr, A. (1383 AH). *Al-'Amal al-Aqbi fi Sharh al-'Urwah al-Wuthqa* (Vol. 2). Najaf Ashraf: Matba'at al-Najaf. [In Arabic]
27. Ibn Athir, M. (1367 AH). *Al-Nihayah fi Ghareeb al-Hadith wa al-Athar* (4<sup>th</sup> ed., Vol. 5). Qom: Ismailiyan. [In Arabic]

28. Ibn Babawayh, M. (1413 AH). *Man La Yahzar al-Faqih* (2<sup>nd</sup> ed., Vol. 1). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
29. Ibn Manzur, M. (1414 AH). *Lisan al-Arab* (3<sup>rd</sup> ed.). Beirut: Dar Sader. [In Arabic]
30. 'Iraki, A. (1410 AH). *Ta'liqah Istidlaliyyah 'ala al-'Urwah al-Wuthqa*. Qom: Islamic Publication. [In Arabic]
31. Ja'fari Langroudi, M. J. (1378 AH). *In-depth in Legal Terminology* (1<sup>st</sup> ed., Vol. 2). Tehran: Ganj-e Danesh Library. [In Persian]
32. Jawhar, S. (2003). Fiqh al-Wudu': Wudu'. *Baqiyat Allah Journal*, 138, 64-67. [In Arabic]
33. Jawhari, I. (1376 AH). *Al-Sahah* (1<sup>st</sup> ed., Vol. 3). Beirut: Dar al-'Ilm lil-Malayin. [In Arabic]
34. Kazemi Khorasani, M. A. (1406 AH). *Fawa'id al-Usul* (Vol. 3). Qom: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]
35. Khoi, S. A. (1418 AH). *Mawsuat al-Imam al-Khoi* (Vol. 6). Qom: Revival of Imam Khomeini's Works Institution. [In Arabic]
36. Kulayni, M. A (1429 AH). *Al-Kafi* (1<sup>st</sup> ed., Vol. 6). Qom: Dar al-Hadith. [In Arabic]
37. Majd Zadeh, B. (1391 AP). *Conditional rulings* (Essence, standard, Instances, Consequence). Ferdowsi University of Mashhad. [In Persian]
38. Makarem Shirazi, N. (1384 AP). *Manasik Hajj*. Qom: Imam Ali ibn Abi Talib School. [In Arabic]
39. Mamqani, A., & Qomi, Kh. (1341 AH). *Makhzan al-Li'ali fi Furugh al-'Ilm al-Ijmal*. Najaf Ashraf: Matba'at al-Murtazawiyah. [In Arabic]
40. Mashkini, A. (1390 AP). *Al-Ta'liqah al-Istidlaliyyah 'ala Tahreer al-Wasilah* (Vol. 1). Qom: Dar al-Hadith. [In Arabic]
41. Mohaqqiq Hilli, J. (1412 AH). *Al-Nihayah wa Nukat* (Vol. 1). Qom: Islamic Publishing Institute. [In Persian]
42. Montazeri, H. (n.d.). *Al-Ta'liqah 'ala al-'Urwah al-Wuthqa* (Vol. 1). Tehran: n.p. [In Arabic]

43. Mortaza Zobeydi, M. (1414 AH). *Taj al-'Arous* (1<sup>st</sup> ed., Vol. 8). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
44. Mozaffar, M. R. (1405 AH). *Usul al-Fiqh* (Vol. 2). Qom: Danesh-e Islami. [In Arabic]
45. Mughniyah, M. J. (1975). *'Ilm Usul al-Fiqh fi Thawbihi al-Jadid*. Beirut: Dar al-'Ilm lil-Malayin. [In Arabic]
46. Muhaqqiq Karki, A. (1414 AH). *Jami' al-Maqasid fi Sharh al-Qawa'id* (Vol. 1). Qom: Aal-al Bayt. [In Arabic]
47. Muhaqqiq Sabzewari, M. (n.d.). *Dhuhrat al-Ma'ad fi Sharh Irshad* (Vol. 1). Qom: Aal-al Bayt. [In Arabic]
48. Muqaddas Ardabili, A. (n.d.). *Majma' al-Faidah wa al-Burhan fi Sharh Irshad al-Adhhan* (Vol. 3). Qom: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]
49. Musavi Amoli, M. (1411 AH). *Mudarik al-Ahkam fi Sharh Shara'i al-Islam* (Vol. 3). Mashhad: Aal-al Bayt. [In Arabic]
50. Musavi Khomeini, S. R. (1392 AP). *Tahrir al-Wasilah* (Vol. 1). Tehran: Center for the Organization and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Arabic]
51. Najafi, M. H. (1365 AP). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Shara'i al-Islam* (2<sup>nd</sup> ed., Vols. 2 & 11). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyyah. [In Arabic]
52. Naraghi, A. (1415 AH). *Mustanad al-Shi'a fi Ahkam al-Shari'ah* (Vol. 7). Qom: Al-al Bayt. [In Arabic]
53. Rohani, A., & Alizadeh, N. (1396 AP). Al-Khall fi al-Ghushl With a focus on the views of Imam Khomeini. *Matin Research Journal*, 75, pp. 111-128. [In Arabic]
54. Rohani, S. S. (1435 AH). *Minhaj al-Salihin* (2<sup>nd</sup> ed., Vol. 1). Beirut: Dar Bilal for Printing and Publishing. [In Arabic]
55. Sabzavari, S. A. (1413 AH). *Muhadhdhab al-Ahkam fi Bayan al-Halal wa al-Haram* (Vol. 7). Qom: Sayyid Abdul Ali Musavi Sabzavari. . [In Arabic]
56. Safi Gilpaygani, A. (1385 AP). *Dhuhrat al-'Aqbi fi Sharh al-'Urwah al-Wuthqa* (Vol. 6). Qom: Ganj-e Erfan. [In Arabic]

57. Salehi Mazandarani, I. (1376 AP). *Miftah al-Basirah fi Fiqh al-Shari'ah* (Vol. 6). Qom: Ayatollah al-Uzma Salehi Mazandarani Library. [In Arabic]
58. Shabiri Zanjani, M. (1388 AH). *Tawdih al-Masa'il*. Qom: Salsabil. [In Arabic]
59. Shahid Avval, M. (1430 AH). *Mawsuat al-Shahid al-Awwal* (Vol. 9). Qom: Islamic Sciences and Culture Research Institute, Center for Revival of Islamic Works. [In Arabic]
60. Shahid Avval, M. (1435 AH). *Ghayat al-Murad fi Sharh Irshad al-Adhhan* (Vol. 1). Qom: Islamic Sciences and Culture Research Institute. [In Arabic]
61. Sistani, S. A. (1418 AH). *Minhaj al-Salihin* (7<sup>th</sup> ed., Vol. 1). Beirut: Dar al-Mu'arrikh al-Arabi. [In Arabic]
62. Sistani, S. A. (1425 AH). *Al-'Urwah al-Wuthqa* (2<sup>nd</sup> ed., Vol. 1). Qom: Maktabah Ayatollah al-Uzma al-Sistani. [In Arabic]
63. Sistani, S. M. (n.d.). *Qa'idah La Dharar wa La Dhirar* (S.A. Sistani, Ed.). Qom: n.p. [In Arabic]
64. Tabataba'i Borujerdi, S. H. (1426 AH). *Tabayan al-Salah* (A. Safi Gilpaygani, ED., Vol. 6). Qom: Ganj-e Erfan. [In Arabic]
65. Tabatabai Tabrizi, S. M. (n.d.). *Baghiyat al-Huda fi Sharh Wasilat al-Najah* (Vol. 1). Najaf Ashraf: Matba'at al-Adab. [In Arabic]
66. Tahanawi, M. A. (1996). *Kashaf Istilahat al-Funun* (1<sup>st</sup> ed., Vol. 2). Beirut: Maktabat Lebanon Nashrun. [In Arabic]
67. Tarhini 'Ameli, M. H. (1385 AH). *Al-Zubdah al-Fiqhiyyah fi Sharh al-Rawdah al-Bahiyyah* (Vol. 2). n.p: Dar al-Fiqh for Printing and Publishing. [In Arabic]
68. Tha'labi, A. (1414 AH). *Fiqh al-Lughah* (1<sup>st</sup> ed.). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [In Arabic]
69. Tusi, M. (1387 AH). *Al-Mabsut fi Fiqh al-Imamiyyah* (Vol. 1). Tehran: Maktabat al-Murtazawiyyah. [In Arabic]
70. Tusi, M. (1407 AH). *Al-Khilaf* (Vol. 1). Qom: Islamic Publication. [In Arabic]



71. Tusi, M. (1407 AH). *Tahdhib al-Ahkam* (4<sup>th</sup> ed., Vol. 2). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]
72. Yazdi, M. (1386 AP). *Al-'Urwah al-Wuthqa* (N .Makarem Shirazi, Ed., Vol. 1). Qom: Imam Ali ibn Abi Talib School. [In Arabic]
73. Yazdi, M. (1421 AH). *Al-'Urwah al-Wuthqa* (Vol. 1). Qom: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]
74. Yazdi, S. M. (1388 AP). *Al-'Urwah al-Wuthqa wa al-Taliqat 'alayha* (Vol. 3). Qom: Al-Sibtayn International Foundation. [In Arabic]
75. Zobeydi, M. (1414 AH). *Taj al-'Aarus min Jawahir al-Qamus* (Vol. 18). Beirut: Dar al-Fikr. . [In Arabic]
76. Internet Website of Ayatollah Al Uzma Mazaheri, Lesson on Foreign Jurisprudence, Access Date: 06/04/1401  
<http://www.almazaheri.ir/Farsi/Index.aspx?TabID=0702&ID=1011&IDSound=0>
77. School of Jurisprudence, Lesson on Foreign Jurisprudence by Professor Hoseini Bushehri, Access Date: 06/04/1401  
[www.eshia.ir/feqh/archive/text/bushehri/feqh/99/990803](http://www.eshia.ir/feqh/archive/text/bushehri/feqh/99/990803)
78. School of Jurisprudence, Lesson on Foreign Jurisprudence by Professor Tavakol (Najaf Ashraf), Access Date: 06/04/1401  
[www.eshia.ir/Feqh/Archive/text/tavakol/feqh/93/931028](http://www.eshia.ir/Feqh/Archive/text/tavakol/feqh/93/931028)
79. School of Jurisprudence, Lesson on Foreign Jurisprudence by Professor Sayyed Kazem Mostafavi, Access Date: 06/04/1401  
[www.eshia.ir/Feqh/Archive/text/mostafavi/feqh/96/970118](http://www.eshia.ir/Feqh/Archive/text/mostafavi/feqh/96/970118)